

مردمانی جان خود را بر جهان افزوده اند
آفتاب جانشان در تاروپود جان ما
مردمانی رنگ عالم را دگرگون کرده اند
هریکی در کار خود نقش آفرین همچون خدا
«فریدون مشیری»

پروفسور فضل الله رضا
نام آوری ایرانی در
عرصه ی علم و ادب

نوشته ی: محمد حسین
ابن یوسف

فوریه ۲۰۲۰

نام پروفسور فضل الله رضا برای بیشترین ایرانیان
نامی بس آشناست و بسیاری از مردم آگاهی هایی
در مورد کارنامه ی علمی، اعتبار جهانی و
دستاوردهای چشم گیر ایشان در زمینه ی ریاضیات،
فن آوری الکترونیک و پیشگامی در ارائه ی
«نظریه ی اطلاعات» و همچنین تحکیم «تئوری
احتمالات» و «تئوری شبکه ها» که زیربنای طراحی
شبکه ی جهانی اینترنت می باشد، دارند. اما این
بزرگمرد انسانی چند وجهی است. ریشه ی شیفتگی
و عشق او به فرهنگ و ادب سرزمینمان به سال های
نوجوانی ایشان، زمانی که خلاصه ای از شاهنامه و
دیوان حافظ را در دبیرستان و دانشگاه تهیه کرده
بودند بر می گردد. و این واقعیت را می توان با



شفافیت تمام در آثار چاپ شده استاد، پیش از عزیمت شان به آمریکا، با همه دلخوری هایی
که خود با طبع روانی که داشتند، این گونه به تصویر کشیده اند:

ما نه از مهر وطن بیگانه ایم

رانده ی بیداد صاحب خانه ایم

و در خاطرات جالب و دلنشین این سفر با همسفرانی پر ارج نظیر: آثار فردوسی، حافظ،
سعدی و عطار و کتاب «سیر حکمت در اروپا» اثر ارزشمند زنده یاد محمدعلی فروغی
مشاهده کرد.

معرفی راستین استاد از سوی خود هم این گونه است که:

«من به عشق و علم خو کردم به بازار جهان»

پروفسور رضا که نزدیک به دو سوم عمر خود را در غربت و دور از جمع فرهیختگان فارسی‌زبان سپری کردند، در نوشته‌های ادبی خود بر این باورند که: «از زیبایی‌های طبیعی فرهنگ سنتی خودمان و شوق پژوهش و پرواز را نادیده نباید گرفت و به قول مولانا:

زین قدح‌های صُور کم باش مست
تا نگردي بت تراش و بت پرست
از قدح‌های صُور بگذر مایست
باده در جام است لیک از جام نیست»

و در جایی دیگر چنین عنوان می‌کنند:

«امروز گسترش فناوری و بازرگانی، به ویژه در جهان غرب، مقامات و مدارج صوری خود مانند عنوان‌ها، مدال‌ها و نام‌ها را در جامعه‌ی جهانی رواج می‌دهند، که در ذهن جوان‌ها اثر می‌گذارد.»

استاد پیروزمندانه کوشیده‌اند که «در گذرگاه صور الفاظ و عنوان‌ها و شهرت‌ها» نایستند و به هر روی در تمام زندگی سرفرازشان نماینده‌ای وفادار از فرهنگ با شکوه ایران باقی می‌مانند.

ایشان در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ سفیر و رئیس هیأت نمایندگی ایران در سازمان جهانی یونسکو و متعاقب آن برای چهار سال سفیر ایران در کانادا بودند.

حضور پروفسور رضا در مقام نیابت تولیت دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف کنونی) و پس از آن ریاست دانشگاه تهران، هرچند که به دلیل حسادت و تنگ نظری گروهی دولت مستعجل بود، باعث بازگشت ۱۵۰ دانشمند جوان ایرانی به کشور، جهت انجام دگرگونی‌های سازنده و شکوفایی‌هایی در هر دو پایگاه برتر علمی کشور شد.

به گفته‌ی استاد در کتاب «برگ بی برگ‌گی»:

«آرزوی من این بود که در ایران یک دانشگاه عظیم و مستقل از سیاست دولت‌ها و پیشرو در نوآوری و پژوهش ساخته شود، دانشمندان (ایرانی) پراکنده در آمریکا و اروپا را در یک جا جمع کنیم و مشعلی بی مانند در خاورمیانه بیافروزیم. باری در زمان کوتاهی به همت همکاران، مختصر توفیقی در این راه نصیب ایران و نگارنده شد. وقت کم بود و شوق نوسازی بسیار. متأسفانه پس از انقلاب پرده دیگری بر این دیوار کشیده شد که مردم رنج دیده خشمناک شدند تا به تلافی برخیزند و بیشتر تحصیل کرده‌های فرنگ را عامل غربی بنگارند. این سوء ظن و کجروی، گروه عظیمی از تحصیل کرده‌های ایرانی را رایگان به بازار کار آمریکا و اروپا گسیل داد. افراط در غرب گرایی پیش از انقلاب، تفریط در انزوای دهه‌های بعد را به بار آورد.»

مدل پیشنهادی استاد به بزرگان کشور برای دانشگاه آریامهر، دانشگاه ام آی تی (M.I.T.) بود با این همه، استاد که ۱۳ سال عمر خود را به تحصیل و تحقیق در آزمایشگاه‌های پیشرفته‌ی الکترونیکی دانشگاه سیراکیوس ایالت نیویورک گذرانده بودند و نخستین کتاب در مورد «نظریه‌ی اطلاعات» را در آن جا تدوین کرده و مطالب نغز و ارزنده‌ای بر بنیاد «حساب احتمالات» و تئوری سیستم ارائه دادند، این مرکز علمی را مدل مناسبی برای دانشکده‌ی مهندسی برق دانشگاه نوبنیاد آریا مهر تشخیص داده بودند. و دانشکده شیمی این دانشگاه با یاری دو نفر از مشاهیر این رشته از دانشگاه‌های پلی تکنیک نیویورک که استاد درجه‌ی دکترای خود را از آن جا دریافت کرده بودند و همین طور دانشگاه استنفورد کالیفرنیا، ساختار جدیدی پیدا کرد.

استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی که بیش از ۲۰ سال سابقه‌ی تدریس در دانشگاه تهران را داشته‌اند و نزدیک به نیم قرن با پروفسور رضا آشنایی و دوستی داشتند، بر این باورند که بر دانشگاه تهران «هیچ گاه از لحاظ علمی و ادبی دانشمند جامعی مانند جناب پروفسور رضا ریاست نفرموده است.» و ایشان را «تنها فرد باقی مانده از علما و ادباء بزرگ زمان ما، یعنی نامدارانی چون محمدعلی فروغی و سیدحسن تقی‌زاده و مخبر السلطنه هدایت و غلامحسین

رهنما و جلال همایی و محمد ضیاء هشرودی و ابوالحسن شعرانی که هم در فنون ریاضی و هم در مسائل ادبی صاحب نظر بودند» می‌داند.

نگاه پروفیسور رضا به آثار بسیاری از بزرگان ادب ایران نظیر مولانا، سعدی، حافظ و خیام از منظر علمی و تخصصی ایشان ریاضیات است که نقش به‌سزایی در اثرگذاری علمی و ادبی ایشان دارد.



اهمیت «اطلاعات» از سوی استادی که نخستین کتاب مدون را در زمینه «نظریه‌ی اطلاعات» با زبانی ساده به رشته‌ی تحریر درآورده و رایحه‌ی این نظریه را از گفتار یکی از بزرگان ادب ایران استشمام کرده، این‌گونه بیان شده است:

«در جهان غرب که مدار اجتماعی بر مادیات است تلفن، تلگراف، تلویزیون و رادار و خلاصه همه‌ی وسائل ارتباط و مخابرات و حتی دانش ژنتیک، گرد محور «اطلاعات» می‌گردد. اطلاعات، پیشتر گویی با نوعی توانایی بیشتر همراه است که جدول‌بندی و مهار کردن مال و استعمار و استثمار هم از همان جا سرچشمه می‌گیرد. از این روست که می‌گویند قرن بیست و یکم میلادی از آن کشورهایی است که اطلاعات را در زیر مهمیز بگیرند. سروری و فرماندهی در اختیار آن کشورهاست. دستبرد در برنامه‌ی رسانه‌های خبری جهان و مغز شویی و تعییۀ جنگ هفتاد و دو ملت برای آنها دشوار نیست.

در جهان شرق به خصوص در شرق سنتی روحانی قرون پیش، تکیه بر معنویات بیشتر از بردگی مادیات بوده است. شاید از همین منفذ باشد که من رایحه «نظریه اطلاعات» را از گفتار جلال الدین محمد بلخی استشمام می‌کنم. آن جا که می‌فرماید:

جان نباشد جز خبر در آزمون
هر که را افزون خبر جانش فزون
جان ما از جان حیوان بیشتر
از چه زان رو که فزون دارد خبر»

استاد بر این باورند که:

«اگر کسی از اهل علم جزمی و خام باشد، شاید با نقش و نگارهای زیبای اشراقی در بیفتد و همه چیز را تنها با ترازوی عقل ببیند. نویسنده خود را در زمره گروهی می‌داند که در مجموع به زیبایی نقش‌های عرفانی و اشراقی می‌نگرند، به همان گونه که در کار علم مجذوب زیبایی‌ها و سمفونی قوانین علمی می‌شوند».

تبادل در این سخن، یادآور سروده‌ی زیبایی از عراقی است:

از صفای می و لطافت جام
در هم آمیخت رنگ جام و مُدام
همه جام است و نیست گویی می
یا مُدام است و نیست گویی جام

استاد در کتاب «حدیث آرزومندی» این گونه داوری می‌کنند که:

«ذهن شاعر بزرگ ما سعدی، به جنبه‌های علمی و اجتماعی نزدیک تر است و در مقام مقایسه، تفکر سعدی به ریاضیات کاربردی و تفکر حافظ به ریاضیات محض گرایش دارد. حافظ ریاضی‌دان نیست، شاعر است ولی می‌توان از پس پرده‌های ذهنش، میزان استعداد تفکر علمی او را دید».

و در مقاله‌ای با برنام «حافظ و تفکرات ریاضی» می‌گویند:

«هالهٔ مه آلودی که معانی کلمات و اصطلاحات متداول در دیوان لسان الغیب، مانند شیخ و زاهد، رند و محتسب، کافر و مسلمان، می و معشوق، پیر مغان و خرابات، خط و خال، زلف و رخ و از همه مهم تر «او» را فرا می‌گیرد نمایندهٔ گرایش ذهن حافظ به ذهن دانشمندان ریاضی است.»

معرفی استاد از خیام در کتاب «نگاهی به عمر خیام» این گونه است:

«عمر خیام ریاضی‌دان نوآفرین، منجم و فیلسوف بود. کم می نوشت و کم می گفت و گاهی یکی دو رباعی می سرود. کارهای ریاضی خیام بسیار موجز، تازه و بنیادی است. از جمله: گشایش معمای ضرایب بسط، حل منظم معادلات درجه سوم و چهارم، تربیع دایره، گرایش به سوی هندسهٔ اقلیدسی و نیز تعیین عیار ترکیب آلیاژی از طلا و نقره.»

به باور پروفیسور رضا:

«ما به معیاری مشترک در شناخت نخبگان و پهلوانان بزرگمنش از متن و بطن داستان‌ها، روایات و جامعه سخت محتاجیم.»

به علاوه استاد پیشنهاد ویژه‌ای دارند که:

«با توجه به اندیشهٔ فلسفی کلان‌نگری در حساب احتمالات طرح یک رده‌بندی شناور برای بررسی شعر سنتی فارسی پیشنهاد شده که از داوری‌های جزمی فاصله می‌گیرد.»

به هر روی شیفتگی استاد به ادب سرزمینمان به گونه‌ای است که زمانی که در کتاب «برگ بی برگی» می‌خواهند از تقدیر سخن بگویند، سروده‌ی زیبای مولانا را یادآور می‌شوند:

تیر پَرّان بین و ناپیدا کمان
 جانها پیدا و پنهان جانِ جان
 دست پنهان و قلم بین خط گذار
 اسب در جولان و ناپیدا سوار

و یا آن گونه که در کتاب «برگ بی‌برگی» استاد آمده است، زمانی که اداره‌ی مهاجرت آمریکا با ارسال نامه‌ها فشار می‌آورد که باید تا فلان تاریخ کشور را ترک کنند، این شعر حافظ را مکرر با شور می‌خوانده‌اند که:

مراد در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم
جرس فریاد می‌دارد که «برندید محمل‌ها»

این چگونگی‌ها را می‌توان به اختصار در سروده‌ی بس زیبای استاد شفیعی کدکنی دید:

گر چراغ شعر، روشن در شب تارم نبود
پای رفتن، روی گفتن، چشم دیدارم نبود
گر نبود این شبچراغ جادوان قرن‌ها
در ظلام این شبستان راه دیدارم نبود

نخستین باری که افتخار دیدار استاد را پیدا کردم سی و چند سال پیش در لس آنجلس بود. عصری بود و برای دیدار زنده یاد دوست و برادرم برهان ابن یوسف به دفتر او در «کانون پژوهش و آموزش» که به راستی همان گونه که تابلوی آن وعده می‌داد «گشوده دری به جهان فرهنگ» بود، رفته بودم. نزدیک درِ کانون که رسیدم صدای دل‌نشین و گیرای شخصی را شنیدم که با شوری ویژه داستانی زیبا از شاهنامه‌ی فردوسی را جانی تازه می‌بخشید و مرا به یاد آوای عزیزی از بزرگان ادب ایران انداخت. آهسته گامی به درون نهادم و همان جا ایستادم. برهان همه گوش شده بود و استاد هم که مستمعی به راستی علاقمند و شیفته پیدا کرده بودند، تمام آن داستان بلند را به زیبایی هرچه تمام‌تر و بدون مراجعه به یادداشتی از بر خواندند.

دومین دیدار ما درست سی سال پیش و زمانی بود که مجلسی جهت بزرگداشت استاد در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس آنجلس (U.C.L.A.) برگزار شده بود که از آن دو خاطره‌ی جالب برایم مانده است:

نخست اظهار نظری بود که رئیس یکی از دانشگاه‌های کانادا که ایشان سال‌ها در آن جا تدریس می‌کردند و متأسفانه نام هیچ کدام را به خاطر ندارم، بیان کرد. او می‌گفت هر چند که پروفیسور رضا مدتی است بازنشسته شده اند، اما معمولاً تعداد مقالات علمی ایشان در درازای سال، از تعداد مقالات استادان شاغل آن دانشگاه بیشتر است!

دوم، خاطره‌ای بود که استاد از دوران تحصیل خود در دوره‌ی کارشناسی ارشد، در دانشگاه کلمبیا نقل کردند و این که سخت‌گیری‌های آموزش دانشگاهی در دوره‌ی کارشناسی در تهران به گونه‌ای بود که در مقام مقایسه دوره‌ی فوق لیسانس در دانشگاه کلمبیا، مثل زمان تعطیلات دانشگاهی به نظر می‌رسید!

البته این مطلب بسیار جالب و شگفت‌انگیز بود، اما شگفتی من زمانی بیشتر شد که سال‌ها بعد، از ایشان اظهار نظر دیگری را در مورد سطح آموزشی دانشگاه تهران در زمانی که ایشان مسؤولیت ریاست آن را به عهده داشتند می‌خواندم که آن را ۴۰ تا ۵۰ سال عقب‌تر از دانشگاه‌های غرب دانسته بودند!

در سال ۱۹۹۵، به همت گروهی از ایرانیان بنام به منظور ایجاد همبستگی و همچنین نمایش توان فردا ساز فرزندان پژوهنده و دانشمند ایرانی و تکریم چهره‌های علمی و فرهنگی جامعه‌ی ایرانی برون مرز، که آرزوی همیشگی من نیز بود، انجمنی به نام «انجمن علمی ایرانیان» به دبیری دوست دیرینم دکتر محمود خجسته، از مدیران و پژوهشگران ارشد مرکز تحقیقات شرکت آی بی ام (I.B.M.) در ایالت نیویورک تاسیس شد که ریاست عالی‌ه‌ی آن با پروفیسور رضا بود و چندی بعد به خواست و همت این عزیزان نخستین شعبه‌ی این انجمن در منطقه‌ی واشنگتن شروع به فعالیت کرد.

به گفته‌ی دکتر خجسته:

«پروفیسور رضا را باید بدان جهت ستود که در افق گسترده‌ی نظرگاه علمیش، برای معنویت ایرانی همیشه جایی ویژه موجود بوده است و آثار علمی و نگاشته‌های فنی خود را با بینش ایرانی استادانه درآمیخته است.»

آخرین دیداری که با استاد داشتم در واپسین سفر ایشان به منطقه‌ی واشنگتن در سال ۲۰۱۲ بود که با مهر فراوان یکی از آثار خود به نام: «نقدها را بود آیا که عیاری گیرند» را برایم دستینه کردند و آخرین باری که پیش از بیماری طولانی استاد تلفنی با ایشان صحبت کردم چهار سال بعد، برای سپاسگزاری از ارسال مطلب دلشینی بود که به مناسبت دهمین سالگرد جاودانگی برادرم برهان مرقوم فرموده بودند و در دفتری زیر برنام: «به یاد برهان» چاپ و پخش شد.

راستی را که به گفته‌ی استاد شفیع کدکنی:

**نامشان زمزمه‌ی نیمه شب مستان باد
تا نگویید که از یاد فراموشانند**

مک لین، ویرجینیا

۹ اسفند ۱۳۹۸ (۲۰۲۰)



از شماره دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد هزاران بیش

رودکی سمرقندی

روزگار گهگاه در دامان خویش نوآوران و نوابغی را پرورش می دهد که با داشتن ویژگی های ممتاز و افکار و اندیشه های والا، نقش انکار ناپذیری در تکامل بشری و فرهنگ و تمدن ملت ها ایفا می کنند.

از واپسین بزرگانی که سال های بسیار در بلندای تاریخ قرار داشت، می توان از "پروفسور فضل اله رضا" یادکرد که با نبوغ علمی، ذهن نقاد ریاضی، دانش گسترده، استعداد سرشار ادبی، حافظه قوی و بالاخره تسلط به زیبایی شناسی، یکی از اسطوره های ماندگار ایران به شمار می آید.

فضل اله رضا در دیماه ۱۲۹۳ خورشیدی در خانواده- ای روحانی در رشت دیده به جهان گشود.

تحصیلات ابتدایی و بخشی از دوران متوسطه را در

نظری به زندگی و

آثار زنده یاد

پروفسور

فضل اله رضا

نابغه ای که در گستره

دانش بشری و فرهنگ

و ادبیات ایران نقشی

ماندگار داشت



مرتضی حسینی

دهکردی

نوامبر ۲۰۱۹

زادگاهش گذراند، سپس به تهران رفت و در دبیرستان ثروت، تحصیلات دبیرستانی خود را به اتمام رسانید.



در آن سال ها، تب اشتیاق به تحصیلات عالی در دانشگاه های اروپا در وجود اغلب جوانان با استعداد و آرزومند شعله ور بود و از سال ۱۳۰۷ به بعد، به دستور رضاشاه پهلوی همه ساله ۱۰۰-۲۰۰ نفر از بهترین فارغ التحصیلان دبیرستان ها از طریق مسابقه های دقیق و بی طرفانه انتخاب گشته و زیر نظر مربیان آگاه و برجسته برای ادامه تحصیل به کشورهای اروپایی اعزام می شدند تا در رشته های مختلف علمی و پزشکی و مهندسی به تحصیل پرداخته و در مراجعت به ایران، زیربنای مدرنیزاسیون کشور را بنیاد نهند.

فضل اله رضا نیز که از با استعدادترین دانش آموزان محسوب می شد و با زبان فرانسه نیز آشنا بود، نهایت اشتیاق داشت که در این مسابقات مشارکت نماید. اما با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، اعزام دانشجویان به اروپا متوقف شد و رویاهای شیرین وی تحقق نیافت. او ناگزیر تحصیلات عالی خود را در رشته برق دانشکده فنی این دانشگاه ادامه داد. پس از اتمام دوره مهندسی به دانشکده افسری رفت، دوره نظام وظیفه را در لشکر مشهد به پایان برد. او سرانجام به استخدام دانشکده فنی درآمد و مدت چهار سال در این زمینه به تدریس و تحقیق پرداخت.

با آنکه تحصیلات رضا در رشته های "ریاضی و علوم مهندسی بود" معهذاً از نخستین روزهای ورود به دانشگاه، پرواز در آسمان شعر و ادب فارسی برایش جذاب تر و دلنشین تر از دروس مدرسه بود (برگ بی برگگی صفحه ۱۶) و شگفت آنکه وی تا آخرین سال های عمر خود با این عشق بی پایان زندگی کرد و از سیر و سفر در این وادی روحانی و سحرآمیز، هرگز غافل نماند و آثار ادبی بی نظیری که از وی باقی مانده، به مراتب از تالیفات علمی او بیشتر است.

تأسیس رادیو تهران در سال ۱۳۱۹ برای بسیاری از ایرانیان، اختراعی شگفت آمیز و غیرقابل قبول و جادویی به شمار می آمد و اغلب مردم اشتیاق داشتند تا بدانند چگونه اصوات از دیاری به دیار دیگر انتقال پیدا می کند. در پاسخ به این سؤال، فضل اله رضا در همان سال نخستین کتاب خود را که: "رادیو به زبان ساده" نام داشت منتشر کرد که مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

با وقوع حوادث شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضاشاه و برقراری آزادی های نسبی در جامعه، گروه های سیاسی گوناگون در ایران اعلام موجودیت کردند. از آن جمله "حزب توده ایران" با افکار و تمایلات کمونیستی تأسیس شد که بسیاری از مردم و به ویژه جوانان به آن پیوستند. فضل اله رضا و برادرش عنایت الله رضا نیز به این حزب پیوستند. عنایت الله به این فعالیت ها ادامه داد و با پیوستن به شاخه نظامی حزب و بعداً با تصدی معاونت نیروی هوایی فرقه دمکرات آذربایجان به تندروری های خود ادامه داد و در نهایت در سال ۱۳۲۵ با شکست فرقه مزبور، به شوروی گریخت، سال های تلخ و غم انگیزی را در دیار غربت و آوارگی طی کرد و در نهایت در اواخر دهه ۱۳۴۰، با یک دنیا افسوس و پشیمانی و دریغ از سال ها زندگی در سراب به ایران بازگشت و بخش پایانی عمر را به تحقیق و نوشتن در زمینه های تاریخی و فلسفی پرداخت.

اما فضل اله رضا در سر سوداهای دیگر داشت و اشتیاق به ادامه تحصیل در خارج در جان و دل او شعله ور بود. او به هر دری روی می آورد تا با اخذ گذرنامه و اجازه خروج از کشور به آرزوهای دور و دراز خود تحقق بخشد. در آن زمان، گذرنامه دانشجویی به هیچ کس داده نمی شد، در سر تا سر اروپا لهیب جنگ شعله ور بود، اخذ ویزای آمریکا بسیار بعید به

نظر می رسید، وسیله نقلیه برای سفر به خارج به هیچ وجه پیدا نمی شد و نهایتاً امکان سفر به خارج در حد صفر بود. با این همه، مهندس جوان و مشتاق، نومید نشد. او با فروغی نخست وزیر ملاقات کرد و با سفارت آمریکا تماس هایی گرفت و نهایتاً پس از چند سال دوندگی، در سال ۱۳۲۳ در بجنوبه جنگ از هفت خوان دشواری ها گذر کرد و با چمدانی پر از کتاب هایی مانند شاهنامه فردوسی، سیر حکمت در اروپا، دیوان اشعار حافظ و سعدی و نظامی با کامیونی فرسوده از راه مشهد به بلوچستان رفت، از آنجا با قطار قراضه ای عازم بمبئی در هند شد و سرانجام بوسیله یک کشتی کوه پیکر ارتش آمریکا که گروهی از سربازان را از جبهه های جنگ به آمریکا می برد، عازم ینگه دنیا شد و بار دیگر این نکته بدیع به اثبات رسید که:

هر کجا دردی، دوا آنجا رود

هر کجا فقری، نوا آنجا رود

هر کجا پستی است آب آنجا رود

هر کجا مشکل، جواب آنجا رود

آب کم جو تشنگی آور به دست

تا بجوشد آبت از بالا و پست

"مولانا جلال الدین"

در نامه عبرت آموزی که رضا در جریان سفر دریایی برای یکی از دوستانش نوشت، از دیدگاه ها و تخیلات وسیع خود و از عظمت کشتی و مهربانی و رفتار متمدنانه کاپیتان و سربازان و افسران آمریکایی یاد می کند و هر شب با خواندن اشعار حافظ و مولانا و عطار با یاد یار و دیار به خواب می رود.

از روزی که از ایران حرکت کرد تا زمانی که کشتی به بندر San Diego کالیفرنیا رسید، دو ماه طول کشید که ۳۷ روز آن در دریا بود. به هر تقدیر در پاییز سال ۱۹۴۴، رضا وارد نیویورک شد و در دانشگاه کلمبیا تحصیلات خود را آغاز کرد.

وی نخستین ایرانی بود که در دانشکده مهندسی این دانشگاه به تحصیل پرداخت. پس از مدتی، وی متوجه شد که سطح فعالیت های تحقیقاتی دانشگاه پلی تکنیک نیویورک، بسی برتر و پرمایه تر از کلمبیاست، لذا به طور همزمان در آن موسسه نیز به تحصیل پرداخت.



در سال ۱۹۴۶ فوق لیسانس خود را از کلمبیا و در سال ۱۹۵۰ دکترای خود را در رشته الکترونیک از پلی تکنیک نیویورک دریافت کرد و رساله دکترای خود را زیر نظر دو تن از برجسته ترین اساتید بزرگ و بلندآوازه به نام های: "E.Wener" و "R.M.Foster" نوشت. رساله ای که مورد ستایش بسیار دانشمندان آمریکا قرار گرفت و دانشگاه "MIT" از وی دعوت کرد تا در آن موسسه به کار پردازد. در این دانشگاه بود که استعداد علمی رضا شکوفا شد و دوران موفقیت های پژوهشی وی آغاز گشت. پژوهش هایی که نهایتاً به وضع نظریه مهم انفورماتیک "Information Theory" انجامید و دکتر رضا به عنوان استادی بزرگ به شهرت جهانی دست یافت و بسیاری از مراکز علمی و دانشگاهی جهان از وی دعوت کردند تا در آن موسسات به تدریس و تحقیق پردازد و اساس پژوهش های خود را در آن مراکز تدریس و تدوین نماید.

از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۸ وی در دانشگاه سیراکیوز نیویورک به کار اشتغال ورزید و بسیاری از دست آوردهای علمی و تحقیقاتی وی در این موسسه نیز با موفقیت روبه رو بود و نظر بسیاری از مراکز علمی و دانشگاهی جهان را به خود معطوف نمود.

در سال ۱۳۴۵ خورشیدی که دامنه شهرت علمی رضا جهانی شده بود، دولت ایران از وی دعوت کرد تا به عنوان رئیس دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف)، در سازندگی های جامعه ایران مشارکت نماید. استاد این دعوت را پذیرفت و به ایران رفت و همه همت و توانایی های خویش را برای نوسازی این موسسه و ارتقاء زیربنای علمی و تحقیقاتی آن به کار برد. او تلاش کرد تا موسسه ای که مانند مراکز فنی عصر صنعتی شدن اروپا اداره می شد به مرکزی پویا برای پژوهش های علمی و تکنولوژیکی امروزی تغییر شکل و محتوا دهد و به جای تدریس انبوهی از اطلاعات به دانشجویان، آنها را با روش های گوناگون علمی و تکنولوژیکی آشنا سازد. او توانست امر تحقیق را به عنوان مهمترین روش آموزش نهادینه کند و مهندسی متفکر، محقق و خلاق، با جهان بینی گسترده تحویل اجتماع دهد.

در اینجا ذکر این نکته خالی از لطف نیست که بسیاری از افراد وقتی به مقام و منصب مهمی دست می یابند، از آن منصب کسب شهرت و اعتبار می کنند.

در مورد استاد رضا به تحقیق می توان گفت که او به هر پست و مقامی که منصوب شد، به آن مقام حیثیت و اعتبار بخشید و تصادفی نیست که پس از گذشت پنجاه سال، هنوز نوآوری های ممتاز رضا در این دانشگاه مورد ستایش است و فارغ التحصیلان دانشگاه شریف از برجسته ترین مهندسی به شمار می آیند و مراکز علمی و تحقیقاتی جهان همواره مقدم آنها را گرامی می دارند.

ریاست دانشگاه تهران

موفقیت های استاد رضا در دانشگاه آریامهر موجب شد تا دولت از وی بخواهد ریاست دانشگاه تهران را عهده دار شود و این موسسه بزرگ را که سال ها بود در فضای تیره و راکد جهان سوم گرفتار آمده بود، نوسازی کند. وی این دعوت را پذیرفت و با کمک اساتید علاقه مند موفق شد تا تغییرات و تحولات قابل ملاحظه ای در برنامه های تحصیلی و ضوابط استخدام کادر آموزشی به عمل آورد و با استخدام اساتید و دانشیاران و تاکید بیشتر در امور پژوهشی و تدوین کتب مبتنی بر دانش روز، موسسه ای زنده و پویا و امروزی به وجود آورد.

از آن جمله در سال هایی که در کشور ما فرار مغزها یک پدیده عادی شده بود و کمتر دانشمند جوانی راضی می شد به ایران بازگردد، موفق شد بیش از ۱۵۰ تن از برجسته ترین تحصیلکردگان ایرانی را جذب نموده و در دانشگاه های تهران و آریامهر به کار بگمارد.

دریغا که تحولاتی که استاد رضا آغاز کرده بود با فضای امنیتی و سیاسی آن روزگار همخوانی نداشت، لذا در سال ۱۳۴۸ وی را محترمانه از دانشگاه تهران برکنار کرده، به عنوان سفیر ایران در یونسکو به پاریس اعزام داشتند و سرانجام در سال ۱۳۵۳ به عنوان سفیر کبیر ایران به کانادا رفت؛ مشاغلی که هرگز با تحصیلات و تجربیات استاد و ذوقیات او دمساز نبود.

پژوهش های علمی استاد رضا

از آنجا که بیان پژوهش های پیچیده علمی و ریاضی با زبانی که عامه مردم آن را درک کنند، امری مشکل و حتی ناممکن است، لذا کوشش می شود تا با حداقل کلمات، به تحقیقات پروفیسور رضا اشاراتی به عمل آید:

۱- تئوری شبکه های برق (Electrical Network theory) که کاربرد آن به زودی در تکنولوژی های آن زمان آغاز شد.

۲- تئوری اطلاعات (Information Theory) که مهمترین اثر تحقیقی فضل الله رضا به شمار رفته و به زودی در توسعه و تکامل شبکه های مخابراتی، تلویزیونی، رادار، سفرهای هوایی و امور فضایی کاربرد یافت و به انقلاب انفورماتیک منتهی شد. این نظریه حاصل مطالعات دامنه دار پروفیسور رضا در دانشگاه سیراکیوز بود و به زودی مورد توجه و تحسین اساتید بزرگ و مراکز و محافل علمی جهان قرار گرفت و از آن جمله دانشنامه آمریکانا مقاله ای در تبیین آن انتشار داد و از آن پس این تئوری مرجع مهم و قابل اعتنایی در تدریس و تحقیق های دانشگاهی شد.

۳- سومین اثر تحقیقی استاد رضا System Theory نام داشت که براساس آن ساختار کار دستگاه های علمی و مخابراتی از طریق معادلات ریاضی تعیین می شد.

۴- و بالاخره می توان از تئوری ریاضیات کاربردی یاد کرد که براساس آن همه پدیده های جهان با دید فیزیک و علوم طبیعی و ریاضی مورد بررسی قرار می گیرند. هر یک از این پژوهش ها در اندک زمانی در محافل علمی جهان بازتابی وسیع یافت و موجب شد تا استاد رضا در شمار کاشفان علم قرن بیستم قرار گیرد.



نقش شعر و ادبیات پارسی در زندگی فضل الله رضا

با همه اشتهار علمی که استاد رضا پیدا کرد، معهدا مهمترین مشخصه زندگی او را می-توان در قلمرو شعر پارسی و ادبیات عرفانی جستجو کرد. تا حدی که خود او می-نویسد: "در تمام این سال های طولانی، دیوان های حافظ و سعدی و مولانا و شاهنامه فردوسی، شناسنامه حقیقی تابعیت ایرانی من بودند نه اوراق چاپی مقامات کشور که برای عبور و مرور به دست هر کس می دهند (برگ بی برگگی صفحه ۲۹۳).

وی همواره براین باور بود که گنجینه فرهنگ ایران، به ویژه در قلمرو شعر، در جهان کم مانند است. با آنکه خود او نیز طبع شعر داشت و اشعار زیادی در زمینه مسائل فلسفی و عرفانی سروده و برخی از آنها را انتشار داده است، معهدا خود را شاعر نمی-دانست.

آثار و تالیفات

پروفیسور رضا دارای تالیفات فراوانی است که اغلب آنها به چاپ های متعدد رسیده اند. کتب و رسالات علمی و پژوهشی استاد به زبان انگلیسی است که بعداً به زبان های:

فرانسه، روسی، آلمانی، رومانی، مجارستانی و اسپانیولی نیز ترجمه شده اند. مهمترین آنها عبارتند از:

۱- Modern Network Analysis چاپ توکیو- ژاپن ۱۹۵۹

۲- Information Theory چاپ نیویورک ۱۹۶۱، ۱۹۹۴

۳- Linear Space in Engineering ۱۹۷۱، ۱۹۹۲

۴- Stability of Linear Dynamical System ۱۹۷۴

مهمترین تالیفات رضا به زبان فارسی عبارتند از:

۱- راز آفرینش، چاپ رضائی تهران سال ۱۳۲۳ - خانه ریاضیات چاپ اصفهان ۱۳۸۵

۲- پژوهشی در اندیشه فردوسی تهران ۱۳۴۷ برخی از مجلات این کتاب به چاپ چهارم رسیده است.

۳- حدیث آرزومندی تهران سال ۱۳۷۳

۲- دوره هندسه علمی برای دانشکده ها تهران ۱۳۲۰

۳- دیده ها و اندیشه ها تهران سال ۱۳۵۴

۴- رادیو به زبان ساده تهران ۱۳۱۹

۵- محمد اقبال، انجمن فرهنگی ایران و پاکستان تهران ۱۳۷۵

۶- مهجوری و مشتاقی چاپ دوم تهران ۱۳۷۵

۷- نگاهی به شاهنامه، تناور درخت خراسان ۱۳۵۰ و ۱۳۸۸ تهران

۸- نگاهی به عمر خیام چاپ دوم ۱۳۸۰

۹- برگ بی برگی تهران ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵

۱۰- برگزیده آثار علمی و ادبی فضل الله رضا به فارسی و انگلیسی در ۸۰۰ صفحه

انتشارات دانشگاه شریف ۱۳۷۸

۱۱- نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟ تهران ۱۳۹۰

۱۲- نگاهی به شعر سنتی معاصر تهران ۱۳۹۳

مقالات منتشر شده استاد

علاوه بر کتب فوق، مقالات متعددی که پروفسور رضا در ۴۰ سال اخیر به زبان فارسی نوشته و اکثر آنها در نشریات معتبر فارسی زبان منتشر شده اند، فصول مهمی از تاریخ و فرهنگ و ادب ابران را در بردارند.

نثر استاد بسیار شیرین، روان و بلیغ است و در نوشته های او اغراق و گزافه گویی و سخنان ناروا و نسنجیده وجود ندارد. مکاتبات متعدد استاد با برخی از اندیشمندان مانند: محمد علی جمال زاده، دکتر اسلامی ندوشن، حسن صدر، فریدون توللی، ارتشبد فریدون جم، دکتر عیسی صدیق، دکتر حمیدی شیرازی، از آثار ماندگار تاریخ و فرهنگ ایران محسوب گشته و امید است که به همت دوستداران فرهنگ ایران، به طور یک جا منتشر شوند.

دیگر نکات گفتنی

دکتر رضا حافظه ای بسیار قوی و کم نظیر داشت و بخش اعظم دیوان حافظ و بسیاری از اشعار سعدی و فردوسی و مولانا و دیگر سخن سرایان را از حفظ می خواند و به شعر سنتی شیفتگی مخصوص داشت. چند سال قبل، نگارنده این سطور نوشته ناچیزی را درباره زندگی و هنر قمرالملوک وزیری، خواننده اسطوره ای ایران در مجله ره آورد منتشر نمودم. روزی استاد تلفنی به من گفت چرا به شعر زیبایی که "ایرج" درباره قمر سروده است در این مقاله اشاره ای نشده است؟ پرسیدم کدام شعر؟ و او شروع به خواندن قطعه شعر طولانی "زهره و منوچهر" اثر فناپذیر ایرج کرد:

گاه زنی همچو قمر پرورم

در دهنش تنگ شکر پرورم



گاه دهم تار به درویش خان

تا بدمد بر بدن مرده جان

گاه قلم در کف دشتی دهم

بر قلمش روی بهشتی دهم

و این قطعه دل آویز را از ابتدا تا انتها خواند. پرسیدم از روی دیوان ایرج میرزا می خوانید؟ گفت از حفظ می خوانم. وقتی جوانی ۱۶-۱۷ ساله بودم این شعر را به حافظه سپردم.

او انسانی بسیار فروتن، خوش خلق و خو، زود جوش، اجتماعی و پر احساس بود و با مخاطبانی که با شعر و ادب فارسی الفتی داشتند، به راحتی روابط دوستانه و عاطفی برقرار می کرد. کمترین تکبر و خود بزرگ بینی و خودستایی نداشت.

در حدود ۹۷ سالگی، مقدمه ای طولانی برای کتابی که استاد حسن کسایی، نوازنده نامدار درباره موسیقی سنتی ایران در دست انتشار داشت نوشت که موجب شگفتی بود.



استاد رضا برای پیشرفت امر آموزش و پرورش در ایران، ارزش و اهمیتی ویژه قائل بود. حدود ۱۰ سال قبل از فروش ارثیه ای که در رشت داشت، سه باب مدرسه بزرگ و آبرومند، یکی در سیاهکل گیلان و دو دیگر در نواحی خراسان احداث کرد و ترتیبی داد که از محل حقوق بازنشستگی او هر ساله آن مدارس را تعمیر و نگهداری نمایند و در نهایت فروتنی از نگارنده این سطور خواست تا زمانی که در قید حیات است، این خبر مکتوم بماند.

در نهایت استاد بزرگوار ما، در نوامبر ۲۰۱۹ میلادی در کانادا چشم از جهان فرو بست و به ابدیت پیوست.

مناسب می دانم که با نقل داوری دو تن از برجسته ترین نویسندگان معاصر ایران، این نوشته را پایان دهم:

از نامه محمد علی جمال زاده به پروفیسور رضا: "...هشتاد سال از عمرم می گذرد و دیگر از کمتر چیزی متاثر می شوم. مقاله "قاضی بُست" شما را سه بار خواندم. اگر شما در همه عمر همین یک مقاله را نوشته بودید، قرضتان را به ایران ادا کرده بودید. چرا بیشتر نمی نویسید؟"

از یادداشت های دکتر محمد علی اسلامی ندوشن: "پروفسور رضا، گرچه سرنوشت او را به جانب علم خالص راند، همواره مانند آفتابگردان رویش به جانب ادب و فرهنگ ایران است..."

توضیح پایانی:

حدود ۲۵ سال قبل، نگارنده این سطور با لطف دوست فرزانه ام، استاد غفور میرزایی، با پروفسور رضا آشنا شدم و به تدریج دوستی و الفتی بین ما به وجود آمد و اکثر در زمینه شعر و ادبیات پارسی با هم گفتگو می کردیم. روزی استاد گفت در نظر دارد یادداشت هایی را که از خاطرات گذشته دارد در اختیار من قرار دهد تا پس از وی آنها را منتشر کنم. بخصوص مایل بود از گفتگوهایی که در سه جلسه بین او و محمدرضا شاه پهلوی در جریان انقلاب سال ۵۷ صورت گرفته بود، و همچنین از دیدارهایی که با برخی از دولتمردان رژیم پیشین داشت، اطلاعاتی برای ضبط در تاریخ ایران به جا بماند. مدت ها گذشت، ولی متأسفانه او یادمانده های خود را که می توانست در روشنگری تاریخ معاصر ایران موثر باشند، در اختیار من قرار نداد. یک دو بار که این موضوع را با وی مطرح کردم، جواب مرا با "اما و اگر" و "انشالله" و "ببینیم چه می شود" داد. امید است که این یادمانده ها در دست تطاول زمان از بین نرفته باشند و روزی به طور کامل انتشار یابند.

مرتضی حسینی دهکردی

۲۵ نوامبر ۲۰۱۹